



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

## افعال با قاعده و بی قاعده انگلیسی (لیست کامل)

🕒 ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ ارسال شده توسط علی بهادری 📁 مقالات زبان انگلیسی 👁 ۹۹.۳K بازدید



گرامر زبان  
انگلیسی

افعال با قاعده و بی قاعده  
زبان انگلیسی

regular irregular

زبان مستر

## افعال با قاعده و بی قاعده انگلیسی چیست؟

قبل از یادگیری افعال با قاعده و بی قاعده انگلیسی احتمالاً می دانید که **افعال زبان انگلیسی**، با توجه به زمان ها، می توانند به سه شکل باشند. یکی حالت ساده آنها، یکی حالت گذشته (past tense) و دیگری حالت سوم فعل یعنی past participle یا همان p.p.. بسیاری از زبان آموزان و همچنین دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان در **آموزش زبان انگلیسی** با این افعال بسیار مشکل دارند. در این مقاله قصد داریم یک بار برای همیشه لیست این افعال را با هم یاد بگیریم. ابتدا از همه، افعال به دو دسته تقسیم می شوند؛ افعال با قاعده (regular) و بی قاعده (irregular). در ادامه به یادگیری هر دوی آنها می پردازیم:

### افعال با قاعده زبان انگلیسی (Regular)

افعال با قاعده افعالی هستند که برای ساخت حالت گذشته و حالت سوم آنها کافیت به سادگی به انتهای فعل -d یا -ed اضافه کنیم.

معنا	حالت سوم (past participle)	حالت گذشته (past tense)	فعل
پذیرفتن	accepted	accepted	accept
دست یافتن	achieved	achieved	achieve
تحسین کردن	admired	admired	admire
افزودن	added	added	add
به فرزندی گرفتن / قبول کردن / اتخاذ کردن	adopted	adopted	adopt
توصیه کردن	advised	advised	advise
موافقت کردن	agreed	agreed	agree
اجازه دادن	allowed	allowed	allow
اعلام کردن	announced	announced	announce
قدردان بودن	appreciated	appreciated	appreciate
موافقت کردن / پسندیدن	approved	approved	approve
بحث کردن (معمولا با حالت عصبانی)	argued	argued	argue
رسیدن	arrived	arrived	arrive
پرسیدن / درخواست کردن	asked	asked	ask
یاری کردن	assisted	assisted	assist
حمله کردن	attacked	attacked	attack
پختن (نان و کیک و...)	baked	baked	bake
گدایی کردن / التماس کردن	begged	begged	beg
رفتار کردن	behaved	behaved	behave
جوشیدن / جوشاندن	boiled	boiled	boil
قرض گرفتن	borrowed	borrowed	borrow
برس کشیدن / مسواک زدن	brushed	brushed	brush
دفن کردن / خاک کردن	buried	buried	bury

زنگ زدن / نامیدن	called	called	call
به چالش کشیدن	challenged	challenged	challenge
تغییر کردن / تغییر دادن	changed	changed	change
دنبال کردن / تعقیب کردن	chased	chased	chase
تقلب کردن / خیانت کردن (در رابطه و ...)	cheated	cheated	cheat
دلخوشی دادن / تشویق کردن	cheered	cheered	cheer
جویدن	chewed	chewed	chew
دست زدن	clapped	clapped	clap
تمیز کردن	cleaned	cleaned	clean
جمع کردن	collected	collected	collect
مقایسه کردن	compared	compared	compare
شکایت و شکوه کردن	complained	complained	complain
اعتراف کردن	confessed	confessed	confess
ساختن	constructed	constructed	construct
کنترل کردن	controlled	controlled	control
کپی کردن / تقلید کردن	copied	copied	copy
شمردن / حساب کردن	counted	counted	count
خلق کردن	created	created	create
گریه کردن / فریاد زدن	cried	cried	cry
دوچرخه سواری کردن	cycled	cycled	cycle
آسیب زدن	damaged	damaged	damage
رقصیدن	danced	danced	dance
ارسال کردن	delivered	delivered	deliver
نابود کردن	destroyed	destroyed	destroy
تقسیم کردن	divided	divided	divide

کشیدن	dragged	dragged	drag
به دست آوردن (پول، اعتماد، ...)	earned	earned	earn
استخدام کردن	employed	employed	employ
تشویق کردن / دلگرمی دادن	encouraged	encouraged	encourage
لذت بردن	enjoyed	enjoyed	enjoy
تاسیس کردن	established	established	establish
تخمین زدن	estimated	estimated	estimate
تمرین کردن / ورزش کردن	exercise	exercise	exercise
گسترش دادن	expanded	expanded	expand
توضیح دادن	explained	explained	explain
سرخ کردن	fried	fried	fry
دور هم جمع کردن	gathered	gathered	gather
سلام و احوال پرسی یا استقبال کردن	greeted	greeted	greet
حدس زدن	guessed	guessed	guess
بسته آوردن / آزردن	harassed	harassed	harass
تنفر ورزیدن	hated	hated	hate
کمک کردن	helped	helped	help
امیدوار بودن	hoped	hoped	hope
تشخیص دادن	identified	identified	identify
قطع کردن / دچار وقفه کردن	interrupted	interrupted	interrupt
معرفی کردن	introduced	introduced	introduce
عصبانی کردن / برانگیختن	irritated	irritated	irritate
مسخره بازی در آوردن / شوخی کردن	joked	joked	joke
پریدن	jumped	jumped	jump

لگد زدن / ضربه زدن / شوت زدن	kicked	kicked	kick
کشتن	killed	killed	kill
بوسیدن	kissed	kissed	kiss
خندیدن	laughed	laughed	laugh
دروغ گفتن	lied	lied	lie
دوست داشتن / لایک کردن	liked	liked	like
گوش دادن	listened	listened	listen
عشق ورزیدن	loved	loved	love
ازدواج کردن	married	married	marry
اندازه گیری کردن / پیمانه کردن	measured	measured	measure
حرکت کردن	moved	moved	move
به قتل رساندن	murdered	murdered	murder
احتیاج داشتن / نیاز داشتن	needed	needed	need
اطاعت کردن	obeyed	obeyed	obey
توهین کردن (به شکلی که به فرد بر بخورد)	offended	offended	offend
پیشنهاد دادن	offered	offered	offer
باز کردن	opened	opened	open
نقاشی کردن / رنگ کردن	painted	painted	paint
پارک کردن	parked	parked	park
زنگ زدن (بیشتر در انگلیسی بریتیش استفاده می شود)	phoned	phoned	phone
برداشتن / انتخاب کردن	picked	picked	pick
پخش کردن / بازی کردن	played	played	play
دعا کردن	prayed	prayed	pray

چاپ کردن	printed	printed	print
کشیدن	pulled	pulled	pull
مشت زدن	punched	punched	punch
مجازات کردن	punished	punished	punish
خریدن	purchased	purchased	purchase
هل دادن	pushed	pushed	push
مورد سوال قرار دادن / زیر سوال بردن	questioned	questioned	question
مسابقه دادن	raced	raced	race
ریلکس کردن	relaxed	relaxed	relax
به یاد آوردن	remembered	remembered	remember
باز پخش کردن	replayed	replayed	replay
بازنشست شدن	retired	retired	retire
بازگشتن	returned	returned	return
مالیدن	rubbed	rubbed	rub
شدیدا سرزنش کردن	scolded	scolded	scold
انتخاب کردن / برگزیدن	select	select	select
سیگار کشیدن	smoked	smoked	smoke
خر و پف کردن	snored	snored	snore
خیره شدن	stared	stared	stare
شروع کردن	started	started	start
مطالعه کردن	studied	studied	study
صحبت کردن	talked	talked	talk
تشکر کردن	thanked	thanked	thank
سفر کردن	traveled	traveled	travel
ناراحت کردن / به دردمر انداختن	troubled	troubled	trouble

تایپ کردن	typed	typed	type
استفاده کردن	used	used	use
ملاقات کردن	visited	visited	visit
صبر کردن	waited	waited	wait
راه رفتن	walked	walked	walk
خواستن	wanted	wanted	want
هشدار دادن	warned	warned	warn
چشمک زدن	winked	winked	wink
نگران بودن	worried	worried	worry
فریاد زدن	yelled	yelled	yell

## قواعد املائی افعال باقاعده

با این که در کل استفاده از این افعال ساده است، باید به چند قاعده ی املائی برای ساخت حالت گذشته و حالت سوم آنها توجه کنیم.

- اگر فعل با حرف "e" تمام شود، کافیسیت به انتهای آن d اضافه کنیم. مثال:

agree ——— agreed

like ——— liked

escape ——— escaped

- اگر فعل به ترتیب با یک حرف صدا دار و سپس بی صدا تمام شود، معمولا حرف آخر تکرار می شود و بعد -ed اضافه می کنیم. مثال:

stop ——— stopped

plan ——— planned

- اگر فعل با یک حرف بی صدا و سپس حرف "y" تمام شود، حرف "y" را حذف می کنیم و به جای آن "ied" می آوریم.  
مثال:

try ————— tried

carry ————— carried

- اما اگر فعل با یک حرف صدادار و سپس حرف "y" تمام شود، صرفاً در انتهای آن "ed" اضافه می کنیم. مثال:

play ————— played

enjoy ————— enjoyed

### قواعد تلفظی افعال باقاعده انگلیسی

سه حالت تلفظی برای انتهای افعال باقاعده در حالت گذشته و حالت past participle وجود دارد.

- /d/ یا صدای "د"
- /t/ یا صدای "ت"
- /ɪd/ یا صدای "د-د"

مثال:

/d/	/t/	/ɪd/
arrived	asked	wanted
failed	crossed	decided
agreed	stopped	started

توجه کنید که اگر در انتهای فعل یکی از حروف p – k – f – gh – sh – ch – ss – c – x را داشته باشیم، صدای /t/ را خواهیم داشت و صدای /ɪd/ در صورتی ساخته می شود که در انتهای فعلمان یکی از حروف "d" یا "t" را داشته باشیم.

## افعال بی قاعده در زبان انگلیسی

افعال بی قاعده افعالی هستند که در واقع قاعده خیلی خاصی برای ساخت شکل گذشته و شکل سوم آنها وجود ندارد. این افعال ممکن است کاملا تغییر کنند، جزئی تغییر کنند یا اصلا هیچ تغییری نکنند. قبل از این که با دیدن جدولی که در ادامه می آید از حجم مطالب و تعداد افعال وحشت کنید، یک خبر خوب! در انتهای همین مقاله فایل pdf قرار دارد که در آن می توانید لیست افعال بی قاعده پرکاربرد را مطالعه کنید. لیست این افعال اکثرا طبق قافیه یا شباهت های دیگر تنظیم شده و این موضوع به خاطر سپردن آنها را بسیار راحت تر می کند. در صورتی که می خواهید این افعال را به شکل کامل و در تعداد بالا یاد بگیرید، جدول زیر بسیار کمک کننده خواهد بود.

معنا	حالت سوم فعل (past) (participle)	حالت گذشته (past tense)	فعل
برخاستن	arisen	arose	arise
بیدار شدن / بیدار کردن	awoken	awoke	awake
بودن	been	was/were	be
تحمل کردن / به عهده گرفتن / زاییدن	born(e)	bore	bear
کتک زدن	beaten	beat	beat
(تبدیل) شدن	become	became	become
شروع کردن	begun	began	begin
خم کردن	bent	bent	bend
شرط بستن	bet	bet	bet
بستن / پیوند دادن	bound	bound	bind
گاز گرفتن / نیش زدن	bitten	bit	bite
خونریزی کردن	bled	bled	bleed
وزیدن / فوت کردن	blown	blew	blow
شکستن	broken	broke	break
پرورش دادن (حیوان و گیاه) / بچه دار شدن حیوانات	bred	bred	breed
رساندن / آوردن	brought	brought	bring
پخش کردن برنامه از رادیو یا تلویزیون	broadcast	broadcast	broadcast
ساختن	built	built	build
سوزاندن	burnt/burned	burnt/burned	burn
ترکیدن	burst	burst	burst
خریدن	bought	bought	buy
قاپیدن / گرفتن	caught	caught	catch

انتخاب کردن	chosen	chose	choose
چسبیدن / چنگ انداختن در	clung	clung	cling
آمدن	come	came	come
هزینه داشتن / قیمت داشتن	cost	cost	cost
آرام و قایمکی راه رفتن	crept	crept	creep
بریدن	cut	cut	cut
سر و کله زدن با	dealt	dealt	deal
کندن	dug	dug	dig
انجام دادن / فعل کمکی	done	did	do
کشیدن	drawn	drew	draw
رویا دیدن	dreamt/dreamed	dreamt/dreamed	dream
نوشیدن	drunk	drank	drink
رانندگی کردن	driven	drove	drive
خوردن	eaten	ate	eat
افتادن	fallen	fell	fall
غذا دادن	fed	fed	feed
حس کردن	felt	felt	feel
مبارزه کردن	fought	fought	fight
پیدا کردن	found	found	find
پرواز کردن	flown	flew	fly
ممنوع کردن	forbidden	forbade	forbid
فراموش کردن	forgotten	forgot	forget
بخشیدن	forgiven	forgave	forgive
یخ زدن	frozen	froze	freeze
گرفتن	gotten	got	get
دادن	given	gave	give

رفتن	gone	went	go
کوبیدن / آسیاب کردن	ground	ground	grind
رشدن کردن / رشد دادن	grown	grew	grow
آویزان کردن	hung	hung	hang
داشتن / خوردن	had	had	have
شنیدن	heard	heard	hear
پنهان کردن	hidden	hid	hide
ضربه زدن	hit	hit	hit
نگه داشتن	held	held	hold
آسیب زدن / درد داشتن	hurt	hurt	hurt
نگه داشتن	kept	kept	keep
زانو زدن	knelt	knelt	kneel
دانستن / شناختن	known	knew	know
چیزی یا کسی را آرام جایی گذاشتن	laid	laid	lay
منجر شدن به / رهبری کردن	led	led	lead
تکیه دادن	leant/leaned	leant/leaned	lean
یاد گرفتن	learnt/learned	learnt/learned	learn
ترک کردن	left	left	leave
قرض دادن	lent	lent	lend
دراز کشیدن (در تخت)	lain	lay	lie (in bed)
روشن کردن	lit	lit	light
از دست دادن / باختن	lost	lost	lose
ساختن	made	made	make
منظور داشتن / معنی دادن	meant	meant	mean
ملاقات کردن / آشنا شدن	met	met	meet

چمن زدن	mown/mowed	mowed	mow
سبقت گرفتن / تاثیر ناگهانی و زیاد داشتن روی کسی	overtaken	overtook	overtake
پرداختن	paid	paid	pay
گذاشتن / قرار دادن	put	put	put
خواندن	read	read	read
راندن (اسب، موتور، ...)	ridden	rode	ride
زنگ زدن (تلفن زنگ می زند، در زنگ می زند)	rung	rang	ring
برخاستن	risen	rose	rise
دویدن	run	ran	run
اره کردن	sawn/sawed	sawed	saw
گفتن	said	said	say
دیدن	seen	saw	see
فروختن	sold	sold	sell
فرستادن	sent	sent	send
نهادن / قرار دادن	set	set	set
دوختن	sewn/sewed	sewed	sew
لرزیدن	shaken	shook	shake
ریختن	shed	shed	shed
درخشیدن	shone	shone	shine
شلیک کردن	shot	shot	shoot
نشان دادن / نمایش دادن	shown	showed	show
جمع شدن / آب رفتن	shrunk	shrank	shrink
بستن	shut	shut	shut
(آواز) خواندن	sung	sang	sing
غرق شدن (برای اشیاء)	sunk	sank	sink

نشستن	sat	sat	sit
خوابیدن	slept	slept	sleep
سُر خوردن	slid	slid	slide
بو دادن / بو کردن	smelt	smelt	smell
بذرافشانی و کاشتن	sown/sowed	sowed	sow
صحبت کردن	spoken	spoke	speak
هجی کردن	spelt/spelled	spelt/spelled	spell
خرج کردن	spent	spent	spend
ریختن / پاشیدن	spilt/spilled	spilt/spilled	spill
تُف کردن	spat	spat	spit
پخش کردن / پخش شدن	spread	spread	spread
ایستادن	stood	stood	stand
دزدیدن	stolen	stole	steal
چسبیدن / فرو کردن	stuck	stuck	stick
نیش زدن	stung	stung	sting
بوی گند دادن	stunk	stank	stink
ضربه زدن / خطور کردن	struck	struck	strike
فحش دادن / قسم خوردن	sworn	swore	swear
روفتن / جارو زدن	swept	swept	sweep
باد کردن	swollen/swelled	swelled	swell
شنا کردن	swum	swam	swim
تاب خوردن	swung	swung	swing
گرفتن	taken	took	take
درس دادن / یاد دادن	taught	taught	teach
پاره کردن	torn	tore	tear
گفتن	told	told	tell

فکر کردن	thought	thought	think
پرتاب کردن	thrown	threw	throw
فهمیدن	understood	understood	understand
بیدار کردن / بیدار شدن	woken	woke	wake
پوشیدن	worn	wore	wear
گریستن / اشک ریختن	wept	wept	weep
برنده شدن / بردن	won	won	win
چیزی را دور چیزی پیچیدن	wound	wound	wind
نوشتن	written	wrote	write

## افعال بی قاعده کاربردی در انگلیسی

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته	حالت ساده فعل
قیمت داشتن / هزینه داشتن	cost	cost	cost
بریدن	cut	cut	cut
ضربه زدن	hit	hit	hit
درد گرفتن / آسیب زدن	hurt	hurt	hurt
اجازه دادن	let	let	let
گذاشتن	put	put	put
خارج شدن / ترک کردن	quit	quit	quit
بستن	shut	shut	shut

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته	حالت ساده فعل
قرض دادن	lent	lent	lend
فرستادن	sent	sent	send
خرج کردن	spent	spent	spend
ساختن	built	built	build
نگه داشتن	kept	kept	keep
خوابیدن	slept	slept	sleep
احساس کردن	felt	felt	feel
ترک کردن	left	left	leave
ملاقات کردن	met	met	meet
معنی دادن / منظور داشتن	meant	meant	mean

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
گم کردن / از دست دادن	lost	lost	lose
شلیک کردن	shot	shot	shoot
روشن کردن	lit	lit	light
نشستن	sat	sat	sit

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
رساندن / آوردن	brought	brought	bring
خریدن	bought	bought	buy
مبارزه کردن	fought	fought	fight
فکر کردن	thought	thought	think
گرفتن / قاپیدن	caught	caught	catch
درس دادن / یاد دادن	taught	taught	teach

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
فروختن	sold	sold	sell
گفتن	told	told	tell
پیدا کردن	found	found	find
داشتن / خوردن (وعده غذایی)	had	had	have

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
شنیدن	heard	heard	hear
نگه داشتن	held	held	hold
خواندن	read	read (pronunciation: red)	read
گفتن	said	said	say
پرداخت کردن	paid	paid	pay
ساختن	made	made	make
ایستادن	stood	stood	stand
فهمیدن	understood	understood	understand

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
شکستن	broken	broke	break
انتخاب کردن	chosen	chose	choose
صحبت کردن / سخنرانی کردن	spoken	spoke	speak
دزدیدن	stolen	stole	steal
بیدار شدن	woken	woke	wake
رانندگی کردن (ماشین)	driven	drove	drive
راندن (اسب، موتور، ...)	ridden	rode	ride
برخاستن	risen	rose	rise
نوشتن	written	wrote	write

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
کتک زدن	beaten	beat	beat
گاز گرفتن	bitten	bit	bite
پنهان کردن	hidden	hid	hide

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
خوردن	eaten	ate	eat
افتادن	fallen	fell	fall
فراموش کردن	forgotten	forgot	forget
گرفتن	gotten	got	get
دادن	given	gave	give
دیدن	seen	saw	see
گرفتن	taken	took	take

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
وزیدن / فوت کردن	blown	blew	blow
پرورش دادن / رشد کردن	grown	grew	grow
دانستن / شناختن	known	knew	know
پرتاب کردن	thrown	threw	throw
پرواز کردن	flown	flew	fly
کشیدن	drawn	drew	draw
نمایش دادن	shown	showed	show

معنا	حالت سوم فعل	حالت گذشته فعل	حالت ساده فعل
آغاز کردن / آغاز شدن	begun	began	begin
نوشیدن	drunk	drank	drink
شنا کردن	swum	swam	swim
زنگ خوردن	rung	rang	ring
(آواز) خواندن	sung	sang	sing
دویدن	run	ran	run
آمدن	come	came	come
شدن	become	became	become